

گزارش بر نامه های اجرا شده بزرگداشت هفته دفاع مقدس:

- برگزاری جلسه در رابطه با هفته ی دفاع مقدس
- برگزاری نمایشگاه فعالیت های پایگاه بسیج
- برگزاری یاد و خاطره ی شهدای هشت سال دفاع مقدس
- برگزاری مسابقه ی فرهنگی
- برگزاری صعود تیم کوهپیمایی
- شرکت در مراسم غبار روبی مزار شهدا
- برگزاری جلسات قران و تفسیر قران

آدرس وبلاگ : www.k-basij.blogfa.com

ایمیل : basij-k@wali.um.ac.ir

حمید حکمت پور کارمند شهید دانشگاه فردوسی



خدایا در این شب در میان سنگر که زمان شیرین خفتن است بیدار مانده و با تو پروردگارا راز و نیاز می کنم و از تو بخشش می خواهم رضایت تو را می جویم . من برای رضای تو بجبهه آمده ام و خود را برای رضای تو در مسیر راه ابا عبدالله الحسین (ع) فدا خواهم کرد، نرسد آن لحظه پروردگارا که من عاصی پشت بجبهه کنم و از این بهشت زیبا محل صفا و عشق و خلوص بیرون بروم .

حرف آخر

گفتم که روی ماهت از من چرا نهان است
گفتا تو خود ججایی ور نه رخم عیان است

یابن الحسن ..

امان ز لحظه ی غفلت که شاهدم باشی ...

تا سر کوی رضا شد ملجاء و ماوای من
شد در جنت برویم باز و جنت جای من
افتخار این بسی که باشم ریزه خوار خوان او
وای بر من گر نباشد در بر او جای من
مأمن امن حریمش باشدم درالقرار
گر پذیرد با همه عصیان مرا مولای من
نیست پای رفتنم با کوله باری از گناه
شرمساری کرده کوتاه دست استدعای من
آن ولی نعمت که دارد بر همه لطف عمیم
لطف دارد بر من و بر ناله شبهای من
ای ملائک پاسبان ای قبله گاه هفتمین
بین دل سوزان و اشک چشم خون پالای من
عرض حاجت را کجا جز در گه لطفت برم
لطف و احسان تو باشد مایه ابقای من
آدمم تا سر نهم بر خاکروب در گهت
ای فدای خاک کویت جمله سر تا پای من
آدمم روی سیاه آورده با موی سپید
پای تا سر شرمساری شد همه اعضای من
گرنگیری لحظه ای دست من افتاده را
وای بر من وای بر من وای بر من وای من
با که گویم جر تو درد خود کجا جویم پناه
ای پناه و محرم درد دل شیدای من
نطق من گویا نشد جز در حریم حرمتت
جز به نامت نیست روشن نامه و انشای من
آفتابا پرتو مهر آفرین از من مگیر
تا نگردد تیره دنیای من و عقبای من
گر کنی با گوشه چشمی عنایت بر «صبا»
دعبلی دیگر بر آرد طبع گوهر زای من
عباسعلی اسدی متخلص به «صبا»



اندیشه مطهر

شماره 25

پایگاه مقاومت شهید مطهری

دانشگاه فردوسی

آبان 87



میلاذ علی ابن موسی الرضا علیه السلام بر تمامی شیعیان مبارک



بار الها! اگر زنده بودم موجب می شود که با معرفت بیشتر و با اعمال خالص تر و زیادتربه سویت بیایم، حاضرم در این دنیا بمانم.. خدا یا! اگر مانند در این وادی ظلمت و رذالت

موجب تقریب به سوی تو میشود، موجب بالا رفتن معرفتم و شناختم میشود، مرا زنده نگه بدار. ولی خدایا باز هم در همان حال از تو می خواهم عاقبتم را ختم به شهادت کنی. ولی خدایا اگر زنده بودم هیچ تاثیری در ازدیاد معرفت و شناخت تو ندارد... اگر زنده بودم هیچ تاثیری در نزدیک شدن به سوی تو ندارد خدایا مرا به دوستانم ملحق کن و شهادت در راهت را نصیبم بگردان.

بار پروردگارا! عزیزانم همه رفتند و مرا تنها گذاشتند.

خدایا! کبوتران سبکبال یکی یکی پر کشیدند و در آسمان تو بال گشودند و به مقصدشان رسیدند و مرا همچنان در این وادی تنها می گذارند.

خدایا! تاب تحمل و صبر در از دست دادن این عزیزان از من سلب شد و تو را به خون طاهر و مطهرشان قسمت می دهم اگر لایق شدم مرا نیز بپذیر.

شهید کاظم نورالهیان

استاد شهید مطهری :

بعد از واقعه معروف خراسان و کشتار خونین مسجد گوهرشاد حوزه علمیه مشهد به کلی از بین رفت و تمامی علما دستگیر شدند، هرکس آن وضع را دید گفت: «دیگر اساساً از روحانیت خبری نخواهد بود» از من در این جریان دعوت شد به عنوان نویسنده نامه ای بنویسم، مردی که در آن محل ریاست مهمی داشت، وقتی نامه را خواند و دید که من هنوز پایبند عالم آخوندی هستم، نصیحتانه به من گفت: «دیگر گذشت آن زمان که مردم به نجف یا قم می رفتند و به مقامات عالی می رسیدند، حضرت امیر فرموده است: «فرزندانتان را مطابق زمان تربیت کنید»، آیا دیگران که پشت این میزها نشسته اند، 6 انگشت دارند؟» و اینگونه سعی نمود مرا از تحصیل در علوم حوزوی باز دارد، البته من به حرف او گوش نکردم و به قم رفتم، پس از 18 سالگی در تهران اولین اثر علمی خود را به نام «اصول فلسفه» منتشر نمودم. در آن زمان ایشان به عنوان نمایندگی مجلس شورای ملی فعالیت می کردند، و نظراتش عوض شده بود، وقتی کتاب مرا خواند از آن به طرز مبالغه آمیزی تعریف نمود، همانجا در دلم خطور کرد که «تو همان کسی هستی که مرا نصیحت می کردی که دنبال این حرفها نروم اگر آن زمان حرف تو را گوش می کردم الان یک میرزابنویس پشت میز اداره بودم، در حالیکه تو الان اینقدر تعریف می کنی.»

امام رضا علیه السلام در روز یازدهم ذی قعدة سال 148 هجری دیده به جهان گشود. کنیه او ابوالحسن و لقبش رضا است. پدر بزرگوارش حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام و مادر ایشان بانویی با فضیلت به نام تکتب بود که پس از تولد حضرت از طرف امام کاظم علیه السلام طاهره نام گرفت .. همسر ایشان سبیکه نام داشت. حضرت تا حدود سن 47 سالگی دارای فرزند نشدند و بعد از تولد امام جواد علیه السلام ایشان را مولودی پر خیر و برکت نامیدند.

امام رضا علیه السلام در سن 35 سالگی بعد از شهادت پدر بزرگوارش عهده دار مقام امامت و رهبری مردم بود. مدت امامت آن حضرت 20 سال بود که ده سال آن معاصر با خلافت هارون الرشید، پنج سال معاصر با خلافت محمد امین و پنج سال آخر معاصر با خلافت مامون بود. در این ایام حضرت امامت و رهبری شیعه را به عهده داشت و سید و سالار آل ابی طالب به شمار می رفت.

ایشان تا آغاز خلافت مامون در زادگاه خود شهر مقدس مدینه اقامت داشت ولی مامون پس از رسیدن به حکومت حضرت را به خراسان دعوت کرد و ایشان را مجبور به قبول ولیعهدی خود کرد تا بدین طریق شورش های علویان را فرو بنشانند، از علویان اعتراف بگیرد مبنی بر اینکه حکومت عباسی حکومتی مشروع است، اعتماد اعراب را جلب کند و مورد تأیید خراسانیان و عموم ایرانیان که طرف دار اهل بیت سلام الله علیهما بودند واقع شود و ... در این مدت مامون مناظره هایی با ساحرین و امام رضا علیه السلام می گذاشت تا ایشان را بین مردم تحقیر کنند ولی حضرت با کرامات و فضایل خویش مردم را جذب دین و آئین علوی می کردند که سرانجام مامون موقعیت حکومت خود را در معرض خطر دید و حضرت را در آخر ماه صفر سال 203 هجری قمری در سن 55 سالگی به شهادت رساند و در قبه هارون و در برابر قبر او مدفون کرد. قبر هارون از میان رفت و قبر امام رضا علیه السلام بر سر پا ماند که به صورت مقصد و مقصود زوار شیعه در آمد که از اطراف و اکناف ممالک اسلامی بدان روی می آورند.

امام رضا علیه السلام فرمودند: **بر حسین مظلوم تا روز قیامت باید گریه کرد زیرا این گریه همچون باد پاییزی که برگ درختان را بر روی زمین می ریزد گناهان بزرگ را می ریزد.**

امام رضا علیه السلام : هر امام و رهبری عهد میثاقی بر پیروان و دوستدارانش دارد و همانا یکی از اعمالی که نمایانگروفاکاری و ادای میثاق است زیارت آرامگاه آنان است.

امام رضا علیه السلام : بار خدایا تو میدانی که من بر پذیرفتن ولایتعهدی مامون مجبور و ناچارم پس مرا مواخذه مکن همان گونه که بنده و پیامبرت یوسف را به هنگام پذیرفتن حکومت مصر مواخذه نکردی.

امام رضا علیه السلام : کسی که با دوری راه سرا و مزارم را زیارت کند روز قیامت در سه جا (برای دستگیری) نزد او خواهم آمد و او را از بیم و گرفتاری آن موقفها رهایی خواهم بخشید. هنگامی که نامه ها (ی اعمال) به راست و چپ پراکنده شود، نزد صراط و نزد میزان (هنگام سنجش اعمال)

امام رضا علیه السلام : هر که مرا زیارت کند در حالی که حق و طاعت مرا که خدا بر او واجب کرده بشناسد. من و پدرانم در روز قیامت شفیع او هستیم و هر که ما شفیع وی باشیم نجات یابد.

امام رضا علیه السلام : من به زودی مظلومانه با سم به قتل خواهم رسید. پس هر که با شناخت حق من زیارت کند خداوند گناهان گذشته و آینده او را ببخشد.

امام رضا علیه السلام : این بار گاه بوستان های بهشت است و محل آمد و شد فرشتگان آسمان و همواره گروهی از ملائکه فرود می آیند و بالا می روند تا وقتی که در صور دمیده شود.

امام رضا علیه السلام : من به این کار واداشه شدم و ناچار گشتم چنان که یوسف و دانیال علیهما السلام مجبور شدند چه هر یک از آن دو ولایت را از خود کامه زمان خویش بپذیرفتند. خدایا پیمانی نیست مگر پیمان تو و ولایتی نیست مگر از سوی تو پس مرا در بر پا داشتن دینت و زنده کردن سنت پیامبرت توفیق رسان.

امام رضا علیه السلام : خداوند مرا باز داشته از این که خویش را با دست خود به نابودی افکنم. پس اگر قرار چنین است آن را میپذیرم به شرط آن که نه کسی را به کار گمارم و نه کسی را از کار کنار گذارم و نه رسم و سنتی را نقض کنم.